

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و هفتم ، پاییز ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

صفحات: ۱۳۶-۱۱۳

پارادوکس دفاع مشروع: تحلیل حق زنان برای دفاع کشنده در برابر تجاوز جنسی در

نظام کیفری

نویسندگان:

عبدالمجید لباب پور^{۱*}، پیوند رادان فرد^۲

چکیده

حق دفاع مشروع، به‌عنوان یکی از سازوکارهای قانونی برای دفع تجاوز قریب‌الوقوع، جایگاه ویژه‌ای در حفاظت از تمامیت جسمانی و روانی زنان دارد. با این حال، زنان در مواجهه با خشونت جنسی و اعمال حق دفاع مشروع، با چالش‌های متعددی روبرو هستند. این پژوهش با روش کیفی تحلیلی و با تکیه بر روش تحقیق کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی موازین دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و مبانی فقه در زمینه خشونت‌های جنسی علیه زنان می‌پردازد. نخست با تأکید بر حساسیت ذاتی جرم خشونت جنسی و آسیب‌پذیری مضاعف زنان، ضرورت به رسمیت شناختن حق دفاع مشروع را به عنوان ابزاری حیاتی برای حفظ جان، عرض و ناموس تبیین می‌نماید. سپس، شرایط تحقق دفاع مشروع از جمله وجود خطر قریب‌الوقوع، ضرورت دفع تجاوز و رعایت اصل تناسب در دفاع در پرونده‌های مرتبط با خشونت جنسی علیه زنان، را مورد تحلیل دقیق قرار می‌دهد. پس از آن، با بررسی چالش‌های خاص زنان در اثبات شرایط دفاع مشروع، به تبیین نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های حقوق موضوعه ایران و فقه امامیه در این زمینه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نظام، در اصول کلی دفاع مشروع مشترک بوده و مشروعیت دفاع در برابر تجاوز جنسی قریب‌الوقوع را تأیید می‌کنند، با این وجود، نحوه تفسیر مفاهیمی مانند خطر قریب‌الوقوع و تناسب دفاع در شرایط خاص خشونت جنسی، نیازمند تأمل و دقت نظر مضاعف در تطبیق با مبانی فقهی و اهداف قانون‌گذار است.

کلید واژه ها : دفاع مشروع، خشونت جنسی علیه زنان، فقه جزایی، حقوق کیفری ایران، دفاع در برابر تجاوز.

۱. عضو هیات علمی پردیس صنعتی شهدای هویزه، دانشگاه شهیدچمران اهواز، دشت آزادگان - scholar.radan@outlook.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق - pyvndr@gmail.com

مقدمه

در سپهر پیچیده نظام‌های حقوقی و فقهی، مفاهیمی وجود دارند که در مرز میان ممنوعیت و جواز، جرم و حق قرار می‌گیرند. دفاع مشروع^۱ از جمله این نهادهای بنیادین است که به عنوان یک عامل موجه جرم شناخته می‌شود. به بیان دیگر، دفاع مشروع وضعیتی است که در آن، فردی برای صیانت از جان، مال، ناموس یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر تجاوز یا خطر قریب‌الوقوع نامشروع و غیرقابل دفع به شیوه‌ای دیگر، مرتکب عملی می‌شود که در شرایط عادی، جرم محسوب می‌گردد؛ اما در شرایط و ضوابط مشخص قانونی و شرعی، این عمل از وصف مجرمانه خارج شده و فاقد مسئولیت کیفری می‌شود (مک پرسون، ۲۰۲۲: ۴۶۸؛ احمدی نیک و حسن زاده، ۱۴۰۴: ۲۳). اهمیت دفاع مشروع در نظام‌های حقوقی (اعم از داخلی و بین‌المللی) و فقهی، ریشه در به رسمیت شناختن حق ذاتی و فطری انسان برای حفظ تمامیت جسمانی و کرامت انسانی خویش دارد (بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۲۹؛ قدیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). دفاع مشروع، تعادل میان دو ارزش بنیادین جامعه را برقرار می‌سازد: از یک سو، ضرورت حفظ نظم عمومی و منع ارتکاب جرائم، و از سوی دیگر، به رسمیت شناختن حق مقاومت در برابر بی‌عدالتی و تجاوز غیرقانونی. پذیرش دفاع مشروع، در حقیقت، اذعان نظام حقوقی به این واقعیت است که اجبار ناشی از تهاجم نامشروع، اراده مجرمانه را زائل می‌کند و فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که عمل او، گرچه ظاهراً منطبق با رکن مادی جرم است، لیکن فاقد عنصر معنوی (قصد مجرمانه) و مشروعیت لازم برای تحقق مسئولیت کیفری است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۹۲).

خشونت جنسی به اشکال گوناگون آن از جمله تجاوز جنسی، تعرض جنسی، آزار جنسی، و سایر اشکال اجبار و سوءاستفاده، از شدیدترین و هولناک‌ترین اشکال نقض تمامیت جسمانی، روانی و کرامت انسانی افراد، به‌ویژه زنان، محسوب می‌گردد. اگرچه خشونت جنسی تنها به زنان اختصاص ندارد و کودکان و مردان نیز قربانی آن می‌شوند، اما خشونت مبتنی بر جنسیت در دخترها و زنان شیوع و گستردگی بیشتری دارد. این پدیده، نه تنها تهدیدی جدی علیه امنیت، سلامت و آزادی‌های فردی قربانی است، بلکه نقض فاحش حقوق بنیادین بشر و اصول حاکم بر جوامع مدنی به شمار می‌آید (آذری و بابا زاده، ۱۴۰۰: ۲۰۴؛ بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۳۱؛ دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۱؛ قدیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). در مواجهه با چنین تهاجم غیرقانونی و نامشروعی که اساس وجود و شخصیت فرد را نشانه می‌رود، مسئله حق قربانی در توسل به اقدامات دفاعی برای دفع تجاوز، از حساسیت و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (نیک نژاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۴؛ کیلر و همکاران، ۲۰۲۳: ۷۷۲). بر این اساس، بررسی جایگاه دفاع مشروع زنان در مقابله با خشونت

جنسی در چارچوب قوانین کیفری و موازین فقهی، مستلزم واکاوی دقیق شروط و ضوابط اعمال این عامل موجهه در این بستر خاص است (عبدالعزیز، ۲۰۲۵: ۹۳۰؛ موسوی الخمینی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). فهم دقیق این شروط و نحوه تفسیر و اجرای آن‌ها در پرونده‌های مرتبط با خشونت جنسی علیه زنان، کانونی اساسی در تضمین دسترسی به عدالت و رعایت حقوق انسانی قربانیان است (امینی و قنبریان بانویی، ۱۴۰۱: ۲۳۷؛ حلال خور و گلجانی، ۱۳۹۹: ۷۲؛ قائدی، ۱۴۰۳: ۵۸۹).

شیوع و آثار ویرانگر خشونت‌های جنسی علیه زنان، پدیده‌ای جهانی و فراگیر است که ایران نیز از آن مستثنی نیست (ظهوریان، ۱۴۰۴: ۴۹؛ کاوه فارسانی و مهدیه، ۱۴۰۴: ۶۴؛ هایچینگ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۰۷۹۱). مطالعات داخلی و بین‌المللی حاکی از آن است که زنان به‌طور نامتناسبی قربانی اشکال مختلف خشونت جنسی، از آزار کلامی تا تجاوز جنسی، قرار می‌گیرند (مک پرسون^۱، ۲۰۲۲: ۴۶۵؛ بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۲۴؛ قدیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). این خشونت‌ها، صرفاً یک جرم کیفری نیست، بلکه حمله‌ای بنیادین به کرامت انسانی، تمامیت جسمانی و روانی زنان بشمار می‌آید که پیامدهای مخرب کوتاه‌مدت و بلندمدتی مانند آسیب‌های جسمی جبران‌ناپذیر، اختلالات شدید روانی، افسردگی، اضطراب، انزوای اجتماعی، مشکلات اقتصادی و حتی خودکشی را به دنبال دارد (چاوان^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۵۵۸؛ پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰: ۱۱۲). در مواجهه با این تهدید، زنان، در موقعیتی به‌غایت آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند. شرایط وقوع خشونت جنسی غالباً با غافلگیری، هراس و وحشت شدید همراه است. افزون بر این، اختلاف زیاد قوای جسمی بین مهاجم (معمولاً مرد) و قربانی (معمولاً زن) و نیز ویژگی ذاتی جرم جنسی به‌عنوان تعرضی غیرقابل جبران و تحقیرآمیز، توانایی زن را برای واکنش‌های حساب‌شده و متناسب، به‌شدت محدود می‌سازد. سؤال محوری و چالش‌برانگیز این است: آیا موازین فعلی دفاع مشروع در قانون مجازات اسلامی ایران و مبانی فقه امامیه که مبنای آن است، با در نظر گرفتن شرایط خاص و فوق‌العاده حاکم بر خشونت‌های جنسی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که حق دفاع مؤثر و عادلانه را برای زنی که مورد حمله جنسی قرار گرفته است، به‌طور کامل و عملی به رسمیت بشناسند؟ احراز شرایط دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران، مستلزم تحقق شروط دقیق و اغلب پیچیده‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی تبیین شده است: ضرورت دفاع (عدم امکان دفع تجاوز به‌طرز دیگری)، متناسب بودن دفاع با خطر (پرهیز از تعدی و تفریط)، و تجاوزناپذیری دفاع (پاسخ به تجاوز قریب‌الوقوع و غیرقابل برگشت) (پورهاشمی و چوبین، ۱۴۰۰: ۱۱۱؛ رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۶۱). کاربست این شروط در بستر خشونت جنسی با دشواری‌های نظری و عملی قابل توجهی مواجه است (قائدی و فرحبخش، ۱۴۰۳: ۸۸). در نتیجه، با وجود

1 . McPherson

2 . Chavan

پذیرش اصل حق دفاع مشروع در قوانین ایران و فقه امامیه، احراز عملی شرایط دقیق آن (به‌ویژه تناسب و ضرورت) در پرونده‌های مربوط به خشونت جنسی علیه زنان، با توجه به ویژگی‌های ذاتی این جرم (غافلگیری، اختلاف قوا، هراس شدید) و پیامدهای غیرقابل جبران آن، همواره با ابهامات و چالش‌های تفسیری و اجرایی مهمی همراه بوده است. این امر لزوم تأمل دقیق‌تر بر نحوه انطباق این موازین با واقعیات تجربه زنان قربانی و تضمین حق مؤثر آنان برای دفاع از جان، کرامت و تمامیت جسمانی خود در برابر این تعرضات شدید را پررنگ می‌سازد (چاوای و همکاران، ۲۰۲۰: ۵۵۸؛ فلاح تفتی و خوانساری، ۱۴۰۳: ۳۱۳).

این پژوهش در پی آن است تا با اتکا به منابع معتبر حقوقی و فقهی، به تحلیل جایگاه حیاتی دفاع مشروع زنان در برابر خشونت‌های جنسی بپردازد. سوالات این پژوهش عبارت‌اند از: محدودیت‌های قانونی زنان برای دفاع مشروع به ویژه دفاع منجر به قتل در برابر تجاوز جنسی چیست؟ دفاع مشروع و تجاوز جنسی چه معنایی دارند؟ ارتباط میان دفاع مشروع و تجاوز جنسی چیست؟ ابهامات و خلاء‌های قانونی دفاع مشروع زنان در تجاوز جنسی را چگونه می‌توان برطرف کرد؟

پیشینه پژوهش

احمدی نیک و حسن زاده (۱۴۰۴) اصول حق دفاع مشروع را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که چنین دفاعی مورد پذیرش اسلام است و همه انسان‌ها بر اساس فطرت، خرد و مبانی دینی از آن برخوردارند و از اجزاء منظومه اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری نیز می‌باشد (احمدی نیک و حسن زاده، ۱۴۰۴: ۲۴).

امینی و قنبریان (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان "دفاع در برابر خشونت خانگی منجر به شوهرکشی در محتویات شش پرونده در استان فارس" به بررسی استناد مرتکبان به دفاعیات کیفری رایج از جمله دفاع مشروع و دفاع ناشی از تحریک شدگی پرداختند. مطابق یافته‌های این مطالعه، نخست لازم است مفهوم سنتی دفاع مشروع، متناسب با ذات و ماهیت رفتار دفاعی این زنان برای حفظ حیات، انعطاف‌پذیر گردد؛ چرا که تنوع و تداوم خشونت به‌گونه‌ای است که زن وقوع آن را در هر لحظه حتمی می‌پندارد. بر این اساس، تفسیر عنصر فوریت تهاجم نیز باید با توجه به ذات مستمر این نوع خشونت‌ها متفاوت باشد. همچنین ضروری بودن اقدام‌کننده مرتکب در این پرونده‌ها، با در نظر گرفتن دشواری‌های فراوان طلاق و حتی ناتوانی زن در خروج از رابطه خشونت‌بار، به عنوان راه حل نهایی توجیه می‌شود. از سوی دیگر، مواردی وجود دارد که تحت شمول دفاع مشروع قرار نمی‌گیرد، اما خشونت به حدی بر وضعیت عاطفی زن تأثیر گذاشته که وی در پی سلسله آزارهای شوهر، تحت تأثیر موج شدید عواطف قرار می‌گیرد؛ با این حال، با توجه به

ماهیت تدریجی واکنش زنان، این هیجان‌ها به تدریج و با تأخیر موجب ارتکاب جنایت می‌شوند. در نتیجه‌گیری، پژوهشگران خاطرنشان کردند که رویه قضایی نیز تأثیر هیجان بر اغتشاش احساسات و تغییر وصف عمدی به شبه‌عمدی را مطابق تبصره ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی تا حدودی پذیرفته است. در نهایت، برای توجه به موارد گوناگون قتل ناشی از خشونت خانگی، هم اصلاحات قانونی و هم تغییر در رویه قضایی در خصوص این دو نوع دفاع ضروری به نظر می‌رسد (امینی و قنبریان بانویی، ۱۴۰۱: ۲۳۶).

آذری و بابازاده (۱۴۰۰) جرم انگاری خشونت جنسی به عنوان جرم مستقل حقوق بشری و انعکاس آن در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای درمورد حقوق قربانیان را بررسی کردند. سپس به تحلیل چگونگی احصای اسناد مربوط به خشونت جنسی و مصادیق آن در آرای محاکم کیفری بین‌المللی پرداختند. آنها نتیجه گرفتند که موارد احصا شده در کنوانسیون شورای اروپا در خصوص پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی مصوب ۲۰۱۱، موسوم به کنوانسیون استانبول، این حقوق را به رسمیت شناخته است. این پژوهشگران، مفاد این کنوانسیون در خصوص شناسایی ابعاد مسئله خشونت علیه زنان، توسعه مفهومی جرم تجاوز جنسی و سازکارهای پیش‌بینی‌شده اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی را واکاوی کردند (آذری و بابازاده، ۱۴۰۰: ۲۰۳).

بررسی دفاع مشروع زنان در برابر خشونت جنسی در نظام حقوق کیفری ایران، موضوعی است که اگرچه به صورت پراکنده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اما هنوز به طور جامع و مستقل، به ویژه با تمرکز بر چالش‌های خاص خشونت‌های جنسی، واکاوی نشده است (فرجیها و نعمتی، ۱۴۰۰: ۶۳). مبانی و شرایط کلی دفاع مشروع در متون پایه‌ای حقوق جزای عمومی ایران به تفصیل مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که چارچوب نظری اولیه را برای بررسی مصادیق خاص فراهم می‌کنند. برخی پژوهش‌های اختصاصی‌تر در حوزه خشونت علیه زنان، به صورت گذرا و در کنار سایر مباحث، به امکان دفاع مشروع در مواجهه با تجاوز یا تعرض جنسی اشاره کرده‌اند، هرچند عمق تحلیل در این زمینه غالباً محدود بوده است. پژوهش‌های سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا با تمرکز ویژه‌تر بر دفاع مشروع زنان، به تحلیل شرایط تحقق آن در برابر خشونت جنسی بپردازند و برخی ابهامات قانونی و فقهی را برجسته کنند. تحلیل‌های فقهی مرتبط با دفاع از عرض و نفس در برابر تعرض جنسی، به عنوان ریشه‌های نظری مقررات کیفری، در آثار فقهی و حقوقی قدیم و جدید مورد استناد قرار می‌گیرند. با این حال، بیش‌تر پژوهش‌های موجود یا به کلیات دفاع مشروع پرداخته‌اند یا خشونت جنسی را در پرتو کلی‌تر خشونت علیه زنان بررسی کرده‌اند و کمتر به واکاوی دقیق و همه‌جانبه شرایط، موانع و دشواری‌های اثباتی خاص دفاع مشروع زنان فقط در مواجهه با انواع خاص خشونت‌های جنسی (مانند تجاوز، آزار خیابانی، تعرض در محیط کار) در رویه

قضایی ایران پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعات عمیق‌تر با تمرکز بر جنسیت، ماهیت خشونت جنسی و پیچیدگی‌های اجتماعی و قضایی مرتبط با دفاع مشروع در این موارد خاص را نشان می‌دهد.

روش شناسی

باتوجه به پرسش پژوهش و ماهیت موضوع مورد مطالعه، این پژوهش از نوع کیفی است و از روش تحلیل و تطبیق در آن استفاده شده است. روش‌های پژوهش کیفی، که انواع گوناگونی مانند مطالعه موردی، نظریه زمینه‌ای^۱، تحلیل محتوی^۲، روش‌های تاریخی، پدیدارشناسی^۳ و یا ترکیبی از روش‌های کیفی دارند، در مواردی بکار می‌روند که بخش عمده یافته‌های آن تفسیری و تحلیلی بوده و بینش حاصل از پژوهش با عملیات آماری یا سایر روش‌های کمی و شمارشی بدست نیامده است. در روش تحلیلی، که یکی از روش‌های پژوهش کیفی بشمار می‌رود، انواع اسناد مانند متون، گفتگوها و ارزیابی‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش تحلیلی-تطبیقی، متون گوناگون فقهی و قوانین کشوری از منابع گوناگون علمی و کتابخانه‌ای در موضوع پژوهش جمع‌آوری و ارتباط و تعامل میان آن‌ها و مقایسه آن‌ها برای دستیابی به بینشی نو در مورد سوال پژوهش، حق دفاع مشروع زنان برای دفع تجاوز قریبالوقوع در حفاظت از تمامیت جسمانی و روانی، انجام شده است. این پژوهش در پنج گام اصلی شامل: انتخاب موضوع و تعیین حیطه پژوهش، توصیف، مقایسه، تبیین و ارزیابی و ارائه پیشنهادات، انجام شده است.

روش‌های گوناگونی برای بررسی حقوق تطبیقی گزارش شده و بکار رفته است که در میان آن‌ها روش‌هایی مانند روش قانونی، رویکرد تکاملی، روش مفهوم محور، روش کارکردی، روش واقعیت‌گرا، روش تاریخی، روش متن‌محور و زمینه‌گرا، روش گونه شناسی روش هسته مشترک یا واژگان خنثی، و روش‌های کمی، و یا ترکیبی از آن‌ها در مطالعات حقوق تطبیقی بیش‌تر بکار می‌رود (محسنی، ۱۳۹۸: ۷۱۰). بی‌شک کارکرد اساسی مطالعات مفاهیم حقوقی، کارکرد نظری آن است که موجب شناخت بهتر موضوع از جنبه‌های گوناگون مفهومی می‌شود. به بیان دیگر، اساساً مطالعه مفهومی تطبیقی، فارغ از کارکرد عملی احتمالی آن، در بهبود درک و تبیین موضوع، به عنوان دانشی نظری مورد تأیید قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۹۸: ۷۱۱). در این رویکرد، از مقایسه به عنوان ابزار شناخت نقادانه و تحلیلی حقوقی بهره گرفته می‌شود و از آن‌جا که آثار و جنبه‌های عملی کمتر مورد تأکید قرار می‌گیرد، جنبه‌های گوناگون مفهومی از حیث مفاهیم حقوقی بیش‌تر

مورد توجه است. در این مطالعه نیز، هدف اصلی شناخت دیدگاه‌های گوناگون فقهی و حقوقی با رویکرد مفهوم محور و گونه‌شناسی به منظور دسته‌بندی هرچه جامع و کامل‌تر قوانین از زوایای گوناگون در موضوع مقاله است (عبدالعزیز، ۲۰۲۵: ۹۳۳؛ قدیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳). از این رو نقطه قوت و البته دشواری این پژوهش، تلاش حداکثری نویسنده برای دستیابی به منابع اصیل، معتبر و به روز جهت شناخت و تبیین سوال پژوهش و جمع آوری هرچه بیش‌تر از مفاهیم گوناگون موجود در موضوع مورد بحث است.

تعریف حقوقی خشونت جنسی و ابعاد آن

در نظام حقوقی ایران، خشونت جنسی علیه زنان به صورت صریح و جامع تحت یک عنوان کلی تعریف نشده است، بلکه مصادیق بارز آن در قالب جرائم مشخصی در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده و قابل تعقیب هستند. این جرائم، طیفی از رفتارهای غیرقانونی و آسیب‌زا را در بر می‌گیرند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

تجاوز جنسی (زنا به عنف یا اکراه): این جرم، شدیدترین شکل خشونت جنسی محسوب می‌شود. مطابق ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، اگر مردی با زنی که همسر دائمی او نیست، برخلاف میل و اختیار وی و از طریق "زور، تهدید یا حيله" یا در حالی که زن در وضعیت "بیهوشی، خواب یا بیداری ناقص" قرار دارد، رابطه جنسی برقرار کند، مرتکب جرم زنا به عنف یا اکراه شده است. مجازات این جرم برای مرتکب، اعدام است. این ماده صراحتاً به عدم رضایت قربانی و استفاده از زور یا شرایط مشابه تاکید دارد و هسته اصلی جرم تجاوز را تشکیل می‌دهد (قاسمی بیورزنی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۲).

فعل منافی عفت توأم با زور یا اکراه: این عنوان کلی‌تر، طیف وسیعی از اعمال جنسی غیر از رابطه جنسی کامل را که با زور، اجبار، تهدید یا حيله علیه زن انجام می‌شود، شامل می‌شود. مصادیق آن شامل لمس بدن، بوسه اجباری، اجبار به دیدن صحنه‌های مستهجن و هرگونه عمل جنسی ناخواسته دیگر است. مجازات این اعمال بسته به شدت و ماهیت عمل، مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی، می‌تواند شامل حد کذف (۸۰ ضربه شلاق)، تعزیر (شلاق، حبس یا جزای نقدی) و حتی در موارد بسیار شدید مشابه زنا، اعدام باشد. نکته کلیدی در اینجا نیز عدم رضایت زن و وجود اکراه، زور یا تهدید است (قاسمی بیورزنی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۴).

مزاحمت جنسی: هرگونه رفتار آزاردهنده جنسی کلامی یا غیرکلامی، غیرفیزیکی یا فیزیکی خفیف‌تر که موجب ایجاد رعب، هراس یا احساس تحقیر در زن شود، می‌تواند تحت عنوان کلی‌تر مزاحمت جنسی قرار گیرد. ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به جرم "توهین به اشخاص

از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک" اشاره دارد که می‌تواند شامل توهین‌ها و پیشنهادات جنسی ناخواسته نیز باشد. مجازات این جرم حبس از یک تا شش ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق است. علاوه بر این، رفتارهایی مانند تعقیب یا اصرار برای ایجاد ارتباط علی رغم عدم تمایل طرف (به قصد آزار جنسی)، می‌تواند تحت عناوینی مانند مزاحمت علیه امنیت یا آسایش عمومی (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۱۸) یا حتی توهین (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۰۸) مورد پیگرد قرار گیرد. تشخیص مصداق مزاحمت جنسی اغلب نیازمند بررسی شرایط و قرائن پرونده توسط مرجع قضایی است. اصل دفاع مشروع به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موجهه جرم و سلب کننده مسئولیت کیفری، در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. بر این اساس، اگر فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر قریب‌الوقوع مشروع، با رعایت شرایط ضروری، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست.

تعریف دفاع مشروع

دفاع مشروع، در مفهوم حقوقی خود، عملیاتی است که شخص در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی و قریب‌الوقوع، با رعایت شرایط قانونی، مرتکب می‌شود. در چنین شرایطی، اگر عمل ارتكابی مشمول عنوان مجرمانه باشد، به دلیل وجود حالت ضرورت دفاعی و فقدان عنصر روانی (قصد مجرمانه) و گاه به دلیل فقدان عنصر قانونی جرم، فاقد مسئولیت کیفری تلقی می‌گردد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶ و اصول کلی حقوق جزا و دکتترین حقوقی مبتنی بر آن).

ارکان و شرایط عمومی دفاع مشروع

اعمال حق دفاع مشروع و تحقق اثر قانونی آن (رفع مسئولیت کیفری) منوط به وجود همزمان شرایط و ارکان دقیقی است که در قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶ تصریح گردیده و در مورد دفاع در برابر خشونت جنسی نیز باید احراز شوند:

وجود حمله یا خطر فعلی و قریب‌الوقوع (تهدید فوری)^۱: اولین و اساسی ترین رکن برای دفاع مشروع، وقوع یک "تجاوز فعلی یا خطر قریب‌الوقوع" است. قریب‌الوقوع به خطری گفته می‌شود که وقوع آن حتمی و قریب است و تأخیر در دفاع موجب تحقق آسیب خواهد شد. این شرط تضمین‌کننده مشروعیت زمانی دفاع است و مرز میان دفاع و انتقام را مشخص می‌سازد. این بدان

معناست که تهاجم یا خطری که دفاع در مقابل آن صورت می‌گیرد، باید در زمان دفاع، یا در حال وقوع باشد یا آنقدر نزدیک باشد که وقوع آن حتمی و اجتناب ناپذیر به نظر برسد. صرف یک تهدید شفاهی مبهم یا خطری که در آینده‌ای نامعلوم ممکن است رخ دهد، برای توجیه دفاع مشروع کافی نیست. حمله باید عینیت داشته و فوریت آن محرز باشد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶).

ضرورت دفاع^۱: در نظریه کلاسیک حقوق کیفری، ضرورت به عنوان رکن اساسی دفاع مشروع، بیانگر آن است که دفاع تنها زمانی موجه است که راه دیگری برای دفع تجاوز یا خطر وجود نداشته باشد یا دسترسی به مراجع قانونی در آن لحظه خاص برای جلوگیری از وقوع حمله ممکن یا مؤثر نباشد. زنی که مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرد، باید در وضعیتی باشد که دفاع، تنها راه ممکن برای حفظ جان، سلامت جسمانی، عرض و ناموس خودش محسوب شود. اگر امکان فرار ایمن، درخواست کمک از افراد حاضر یا استفاده از راهکارهای غیرخشونت آمیز برای دفع حمله وجود داشته باشد، توسل به خشونت دفاعی ممکن است واجد شرط ضرورت نباشد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶). این مفهوم در فقه اسلامی نیز با اصل "الضرورات تبيح المحظورات" هم‌راستا است. در پرونده‌های خشونت جنسی، ضرورت زمانی تحقق دارد که قربانی در موقعیتی قرار گیرد که استفاده از نیروی دفاعی تنها راه حفظ جان، عرض یا کرامت او باشد و سایر راه‌ها (مانند فرار یا استمداد فوری) عملاً مؤثر یا ممکن نباشند.

تناسب دفاع با حمله^۲: شرط حساس و تعیین کننده دیگر، "تناسب" میان دفاع انجام شده و شدت و نوع حمله است. تناسب به معنای توازن میان شدت و ماهیت دفاع با میزان خطر و تجاوز است. در دکترین کیفری مدرن، تناسب نه به مفهوم ریاضی آن، بلکه به‌عنوان توازن اخلاقی و عقلانی میان آسیب وارده و آسیب دفع‌شده تفسیر می‌شود. در زمینه خشونت جنسی، که حمله متوجه تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی فرد است، دامنه واکنش مشروع گسترده‌تر تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی دفاع‌های شدید، مانند ایراد جرح سنگین یا در شرایط استثنایی، قتل مهاجم، ممکن است واجد وصف تناسب باشد. دفاع باید متناسب با خطری باشد که دفاع کننده را تهدید می‌کند. این تناسب الزاماً به معنای برابری دقیق نوع و میزان واکنش (مثلاً استفاده از چاقو در مقابل چاقو) نیست، بلکه بر اساس معیارهای نوعی و با در نظر گرفتن شرایط خاص هر مورد سنجیده می‌شود. در خشونت جنسی، که ماهیتاً حمله‌ای شدید به تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی فرد است، دامنه اقدامات دفاعی ممکن است گسترده‌تر باشد و واکنش‌هایی که در شرایط عادی شدید محسوب می‌شوند (مانند ضرب و جرح جدی مهاجم یا حتی در موارد بسیار حد، قتل

1 . Necessity

2 . Proportionality

وی)، با توجه به ابعاد آسیب وارده و احساس خطر شدید قربانی، می‌تواند مشمول تناسب تلقی گردد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶) (ره نورد واقف و نظری نژاد کیاشی، ۱۳۹۹: ۳۳۳).

تجاوز نکردن از حدّ دفاع: نهایتاً، دفاع کننده "نباید از حدّ دفاع تجاوز کند". این شرط مکمل شرط تناسب است و تأکید دارد که اقدام دفاعی فقط تا حد دفع تجاوز یا خطر مجاز است. اگر پس از دفع کامل حمله (مثلاً خلع سلاح یا فرار مهاجم یا بیهوش شدن او)، مدافع به اقدام خود ادامه دهد، عمل وی از حد دفاع خارج شده و مشمول مجازات خواهد بود. در دفاع در برابر خشونت جنسی، این بدان معناست که واکنش دفاعی باید بلافاصله پس از رفع خطر قریب الوقوع تجاوز جنسی متوقف شود. ادامه ضرب و جرح یا قتل مهاجم پس از خنثی شدن کامل تهدید، دفاع مشروع محسوب نمی‌شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵۶) (ره نورد واقف و نظری نژاد کیاشی، ۱۳۹۹: ۳۲۵).

حق دفاع مشروع، ضمانت اجرایی اساسی در نظام حقوقی ایران برای حفظ کرامت، تمامیت جسمانی و ناموس افراد، به ویژه زنان در معرض خشونت جنسی است. ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی با تعریف دقیق ارکان چهارگانه حمله یا خطر فعلی و قریب الوقوع، ضرورت دفاع، تناسب دفاع با حمله و عدم تجاوز از حدّ دفاع، چارچوب قانونی روشنی برای اعمال این حق حیاتی فراهم می‌آورد. احراز همزمان این شرایط در هر مورد خاص، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال حاکم بر واقعه و وضعیت خاص مدافع، توسط مراجع قضایی صورت می‌پذیرد تا اطمینان حاصل شود که این نهاد حقوقی به درستی و عادلانه به کار گرفته می‌شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۵).

شرایط اختصاصی دفاع مشروع زنان در برابر خشونت جنسی

دفاع مشروع، به عنوان یکی از علل موجه جرم، اجازه مداخله قهری فرد در مقابله با تجاوز قریب‌الوقوع یا فعلی به حقوق خود یا دیگری را می‌دهد. با این حال، اعمال این نهاد در بستر خاص خشونت جنسی، مستلزم واکاوی عمیق دو شرط بنیادین "حمله فعلی یا قریب‌الوقوع" و "خطر شدید و مشروع" است.

احراز "حمله فعلی یا قریب‌الوقوع" در بستر خشونت جنسی: چالش‌های اثباتی و ماهوی شرط اولیه دفاع مشروع، وقوع حمله‌ای "فعلی" یا "قریب‌الوقوع" است. در خشونت‌های جنسی، مفهوم "قریب‌الوقوع بودن" از حساسیت و پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. در مورد خشونت جنسی، این حمله می‌تواند شامل هر اقدام فیزیکی یا تهدیدآمیز مستقیمی باشد که هدف آن تحمیل تماس جنسی ناخواسته، تجاوز جنسی، آزار جنسی همراه با خشونت فیزیکی یا هر شکل دیگر از تعرض جنسی به زن باشد. برخلاف حملات فیزیکی آشکار که اغلب با نشانه‌های عینی (مانند حمله با

چاقو) همراه است، خشونت جنسی می‌تواند با نشانه‌های ظریف‌تر، تهدیدهای کلامی، پیشروی تدریجی متجاوز، یا سوء استفاده از موقعیت قدرت (همکار، همسایه، عضو خانواده) آغاز شود. زن ممکن است بر اساس رفتار قبلی مهاجم، جو تهدیدآمیز حاکم، یا احساس خطر غریزی قوی، حمله جنسی را کاملاً قریب‌الوقوع پیش‌بینی کند، حتی اگر حمله فیزیکی هنوز آغاز نشده باشد. چالش اصلی، اثبات این درک ذهنی و عینی بودن تهدید قریب‌الوقوع در محاکم است. آیا معیار، درک یک "شخص معقول" در آن شرایط است، یا باید درک خاص زن، با توجه به سابقه احتمالی خشونت از سوی همان مهاجم یا آسیب‌پذیری‌های ویژه او، ملاک قرار گیرد؟ رویه قضایی پیشرو تمایل دارد که با در نظر گرفتن کلیت اوضاع و احوال و تجربیات خاص زن، مفهوم قریب‌الوقوع بودن را تفسیر کند تا از قربانی‌ای که به شواهد غیرقابل انکار فیزیکی برای دفاع صبر می‌کند، حمایت نماید (ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ایران؛ رویه قضایی کشورهای پیشرفته در تطبیق معیار شخص معقول با شرایط خاص بزه دیده (فرجیها و نعمتی، ۱۴۰۰: ۵۳). در دعاوی مرتبط با تجاوز جنسی، تشخیص قریب‌الوقوع بودن خطر، باید نه بر مبنای معیار نوعی، بلکه با لحاظ "ادراک عقلانی و واقعی قربانی" انجام گیرد؛ زیرا تجربه ترس و احساس تهدید در چنین موقعیت‌هایی تابع زمینه جنسیتی و روانی خاص است.

تبیین "خطر شدید" و "خطر مشروع" ناشی از تعرض جنسی: شرط دوم، وجود "خطر شدید" و "مشروع" ناشی از حمله است. در حالی که خطر جانی (تهدید حیات) به وضوح مصداق خطر شدید است، خشونت جنسی ذاتاً متضمن طیف گسترده‌ای از آسیب‌های شدید فراتر از صرف آسیب جسمانی فوری است. تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، نقض بنیادین حرمت جسم، روان و شخصیت فرد محسوب می‌شوند. این اعمال می‌توانند منجر به آسیب‌های روانی عمیق و ماندگار (اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی شدید، اضطراب مزمن)، آسیب‌های جسمانی دائمی، از دست دادن شدید حیثیت و آبرو در بافت‌های اجتماعی خاص، و احساس ناامنی مطلق شوند. حقوق کیفری مترقی به طور فزاینده‌ای این آسیب‌های روانی - اجتماعی شدید و نقض کرامت انسانی را به عنوان مصادیق "خطر شدید" برای تحقق دفاع مشروع به رسمیت می‌شناسد. خطر ناشی از خشونت جنسی، ذاتی و مشروع تلقی می‌گردد، چرا که هیچ فردی ملزم به تحمل چنین تعرضی به تمامیت جسمانی و روانی خود نیست. شناسایی این گستره از خطرات شدید، ضرورتی انکارناپذیر در تطبیق دفاع مشروع با ماهیت خاص جرم خشونت جنسی است.

شرط امکان فرار: ملاحظات وضعیت روانی و فیزیکی زن: یک پرسش سنتی در دفاع مشروع این است که آیا راه فرار ایمن برای مدافع وجود داشته است یا خیر. اعمال سفت و سخت این شرط در موارد خشونت جنسی، بدون توجه به واقعیات تجربه زنان، می‌تواند ظالمانه باشد. واکنش‌های

روانی-عصبی به تهدید شدید جنسی می‌تواند توانایی فیزیکی یا ذهنی زن برای فرار را به طور کامل مختل کند. عوامل دیگری مانند ترس از تشدید خشونت در صورت مقاومت، وجود کودکان در محل، انزوا جغرافیایی، عدم وجود مکان امن برای فرار، یا آسیب‌پذیری‌های جسمانی نیز می‌توانند امکان فرار واقعی را منتفی سازند. معیار ارزیابی امکان فرار باید "معیار شخص معقول در شرایط خاص آن زن" باشد. این بدان معناست که قضات باید خود را به جای زنی بگذارند که با توجه به ویژگی‌های جسمی و روانی خودش، سابقه ارتباط با مهاجم و کلیت اوضاع و احوال ترسناک و فشارآور حمله جنسی، عمل کرده است.

چالش اصلی: تناسب دفاع با حمله در تجاوز جنسی

دفاع مشروع به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم، به فرد مورد حمله قرارگرفته این حق را می‌دهد که برای دفع تجاوز قریب الوقوع یا بالفعل نسبت به نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری، اقدامات ضروری را انجام دهد. یکی از چالش‌برانگیزترین مصادیق دفاع مشروع، دفاع زنان در برابر حملات جنسی و به ویژه پرسش اساسی تناسب دفاع، به ویژه هنگامی که منجر به قتل متجاوز می‌شود، است. تحلیل این موضوع مستلزم بررسی دقیق عناصر دفاع مشروع، به ویژه شرط تناسب و نقش محوری عرف در جرائم علیه عرض و ناموس است (آل طاها و بشیری، ۱۳۹۸: ۲۹؛ فرزین مهر، ۱۴۰۳: ۳۴).

تناسب دفاع با حمله: اساس دفاع مشروع بر اصل تناسب استوار است، به این معنا که دفاع باید متناسب با خطری باشد که دفاع‌کننده یا دیگری را تهدید می‌کند. در جرائمی مانند ضرب و جرح ساده، تناسب غالباً به مقایسه عینی وسایل و شدت حمله و دفاع (مثلاً مقابله مشت با مشت یا چاقو با چاقو) محدود می‌شود. با این حال، در جرائم علیه عفت و ناموس، خصوصاً تجاوز جنسی، ماهیت حمله اساساً متفاوت است. تجاوز جنسی صرفاً یک آسیب جسمانی نیست؛ بلکه حمله‌ای است عمیق به کرامت انسانی، روان، هویت و تمامیت معنوی فرد که آثار مخرب آن اغلب مادام‌العمر و غیرقابل جبران است. خطر ناشی از تجاوز، صرفاً خطر جراحت فیزیکی موقت نیست، بلکه خطر انهدام روانی، اجتماعی و حیثیتی قربانی است. بنابراین، سنجش تناسب در دفاع در برابر چنین حمله‌ای نمی‌تواند صرفاً بر معیارهای فیزیکی صرف استوار باشد، بلکه باید خطر کلی و ماهیت غیرقابل جبران حمله را در نظر گرفت. در این شرایط، دفاعی که منجر به مرگ متجاوز می‌شود، با توجه به شدت و عمق آسیب وارده توسط خود عمل تجاوز و پیامدهای ویرانگر آن بر زندگی قربانی، ممکن است از منظر حقوقی و عرفی متناسب تلقی گردد.

رویکرد قانونگذار: ماده ۱۵۶ و تفسیر قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶ مقرر می‌دارد: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع، عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر، مجازات نمی‌شود (قدسی و قدمی عزیزآباد، ۱۳۹۸: ۱۱۷):

نقش محوری عرف: تبصره قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶ نقشی تعیین‌کننده در تحلیل دفاع مشروع در جرائم علیه عرض و ناموس ایفا می‌کند: "در مورد دفاع از نفس، عرض، ناموس و ... به نحوی که عمل ارتكابی در نظر عرف، مستند به دفاع باشد، دادگاه با رعایت موازین شرعی و قانونی اقدام لازم را به عمل می‌آورد". این تبصره دو نکته اساسی را روشن می‌سازد: اولاً: تشخیص تناسب دفاع در این جرائم، به‌طور خاص به داوری عرف واگذار شده است. قانونگذار آشکارا به نهاد عرف به عنوان معیار اصلی برای تعیین اینکه آیا عمل دفاعی قابل انتساب به وضعیت دفاع است یا خیر، اشاره کرده است. ثانیاً: عرف در اینجا نقش تفسیری و تعدیل‌کننده دارد. عرف جامعه، با درک عمیق از هولناکی، شنیع بودن و پیامدهای ویرانگر تجاوز جنسی بر زن و خانواده‌اش، معمولاً دفاع شدید، از جمله استفاده از هر وسیله ممکن و حتی منجر به مرگ متجاوز را در چنین شرایطی، عملی متناسب و مستند به دفاع مشروع تلقی می‌کند. عرف درک می‌کند که زن مورد تجاوز قرار گرفته در وضعیت فوق‌العاده استرس، ترس شدید و خطر جبران‌ناپذیر قرار دارد و واکنش او ممکن است خارج از محاسبات عقلانی دقیق باشد و بر اساس گزینه حفظ حیثیت و تمامیت جسمانی و روانی صورت پذیرد.

تفاوت ماهوی تناسب در جرائم علیه نفس و جرائم علیه عرض: همان‌طور که پیشتر اشاره شد، معیار سنجش تناسب در جرائم علیه نفس عمدتاً معطوف به تشابه عینی وسایل حمله و دفاع و شدت صدمات فیزیکی لحظه‌ای است. در حالی که در جرائم علیه عرض و ناموس، معیار تناسب باید با توجه به ماهیت خاص جرم، که متضمن هتک حرمت شدید، آسیب عمیق روانی و لطمه حیثیتی ماندگار است، تفسیر شود. دفاع در برابر چنین حمله‌ای ذاتاً مستلزم شدت بیش‌تری است، زیرا خطر مورد نظر، فراتر از یک آسیب جسمانی زودگذر است. عرف به خوبی این تفاوت بنیادین را درک می‌کند و لذا دفاع شدید، حتی منتهی به قتل، در برابر تجاوز جنسی را، برخلاف یک درگیری فیزیکی ساده که منجر به قتل می‌شود، عموماً متناسب و موجه می‌داند (ره نورد واقف و نظری نژاد کیاشی، ۱۳۹۹: ۳۲۶؛ قنادی و فرحبخش، ۱۴۰۳: ۸۳).

تجاوز نکردن از حد دفاع: مرز دفاع مشروع و انتقام شرط اساسی دیگر در دفاع مشروع، تجاوز نکردن از حد دفاع است. این بدان معناست که دفاع باید منحصرأ به قصد دفع تجاوز و تا زمانی که خطر وجود دارد، انجام شود. به محض اینکه تجاوز پایان یابد یا خطر رفع شود، هرگونه عملیاتی که پس از آن توسط مدافع صورت گیرد خارج از حدود دفاع مشروع بوده و مصداق انتقام‌جویی یا اعمال خشونت اضافی است و قابل مجازات خواهد بود. تشخیص لحظه دقیق رفع خطر، گاهی در فضای پراسترس حمله جنسی دشوار است، اما معیار عینی و عرفی در اینجا نیز حاکم است: آیا یک فرد متعارف در همان شرایط، خطر را رفع‌شده می‌دانست؟

دفاع در مقابل تهیه مقدمات یا شروع به جرم

نظام کیفری ایران با استناد به فقه امامیه و اصول قانون اساسی، دفاع مشروع را به عنوان حقی طبیعی و مشروع برای دفع تجاوز یا خطر قریب‌الوقوع نسبت به نفس، عرض، ناموس یا مال خود یا دیگری به رسمیت شناخته است (ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی). در مواجهه با پدیده شوم خشونت جنسی علیه زنان، که همواره تهدیدی جدی برای تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی آنان محسوب می‌شود، شناخت دقیق حدود و ثغور دفاع مشروع و شرایط اعمال آن، به‌ویژه در مراحل تهیه مقدمات جرم یا هنگام دفاع از زن دیگری، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این نوشتار به بررسی دو رکن کلیدی دفاع مشروع در این زمینه، یعنی دفاع در مقابل تهیه مقدمات یا شروع به جرم (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۷) و دفاع از دیگری (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۸) و شمول آن بر دفاع از زنان در معرض خشونت جنسی، و همچنین اشاره‌ای به دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط می‌پردازد (هایچینگ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۰۷۹۱؛ قدسی و قدمی عزیزآباد، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

گسترش دامنه حق دفاع: ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: دفاع در مقابل هرگونه اقدام تجاوزکارانه و خطرناک نسبت به نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری، در صورتی که اقدام دفاعی، متناسب با خطر و برای دفع آن باشد، دفاع مشروع محسوب می‌شود. دفاع در صورتی که اقدام تجاوزکارانه به قصد دستیابی به مال مشروع باشد و تجاوزکننده در اثر دفاع صدمه ببیند، ضامن است. تبصره - دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد. نکته محوری در این ماده، گسترش دامنه حق دفاع به قبل از وقوع کامل جرم است. ماده ۱۵۷ صراحتاً دفاع در برابر "هرگونه اقدام تجاوزکارانه و خطرناک" را مشروع می‌شمارد. این عبارت، مراحل تهیه مقدمات جرم و شروع به آن را نیز در بر می‌گیرد (شرح مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی). در خصوص خشونت

جنسی، این بدان معناست که اگر زنی احساس کند خطری قریب الوقوع و جدی نسبت به ناموس (عرض) او در حال شکل‌گیری است، اقدامات او برای دفع این خطر در صورتی که متناسب با شدت و فوریت خطر باشد، می‌تواند تحت شمول دفاع مشروع ماده ۱۵۷ قرار گیرد. کلید اثبات دفاع مشروع در این مرحله، احراز قصد و اقدام جدی و خطرناک متجاوز و فوریت و قریب‌الوقوع بودن خطر است (قدسی و قدمی عزیزآباد، ۱۳۹۸: ۱۱۷؛ خضرنیا و اکبری، ۱۴۰۳: ۱۳۶).

شمول دفاع از زنان دیگر: تبصره ماده ۱۵۷ (که به طور مستقل در ماده ۱۵۸ نیز آمده است) به صراحت حق دفاع از دیگری را به رسمیت می‌شناسد: "دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد." این حکم، به وضوح شامل دفاع از زن دیگری که در معرض خشونت جنسی قرار گرفته است. بنابراین، اگر فردی شاهد اقدام تجاوزکارانه و خطرناکی نسبت به ناموس (عرض) زنی باشد و تشخیص دهد که آن زن به دلایلی قادر به دفاع مؤثر از خود نیست، مجاز است برای دفع این خطر و نجات آن زن، اقدام دفاعی متناسب انجام دهد (شرح مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی). ارکان دفاع از دیگری در برابر خشونت جنسی عبارتند از:

وجود خطر تجاوزکارانه و قریب‌الوقوع: خطری که نفس، ناموس یا عرض زن دیگری را تهدید می‌کند باید عینی، جدی، تجاوزکارانه و فوری (قریب‌الوقوع) باشد. صرف سوءظن یا ترس مبنا نیست.

ناتوانی زن مورد تجاوز از دفاع: مدافع باید احراز کند که زن در معرض خطر، به هر دلیلی (جسمی، روانی، موقعیتی) قادر به دفاع مؤثر از خود نیست. این ناتوانی می‌تواند در اثر غلبه فیزیکی مهاجم، تهدید مسلحانه، بیهوشی، وحشت زدگی شدید، کهولت سن، بیماری و ... باشد (رضایی حسین آبادی و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

تناسب دفاع: اقدام دفاعی انجام شده توسط مدافع (فرد ثالث) باید با شدت و ماهیت خطر تجاوز جنسی که زن دیگری را تهدید می‌کند، متناسب باشد. این شرط کلیدی‌ترین رکن دفاع مشروع است (قدسی و قدمی عزیزآباد، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

قصد دفاع: اقدام مدافع باید با قصد دفاع از زن در معرض خطر و دفع تجاوز انجام شده باشد، نه انگیزه‌های شخصی دیگر مانند انتقام‌جویی یا ایجاد رعب (مک پرسون، ۲۰۲۲: ۴۷۰؛ هایچینگ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۷۹۱).

آیین نامه و دستورالعمل مقابله با تهیه مقدمات یا شروع جرم: در حال حاضر، آیین نامه اجرایی اختصاصی و جامعی که صرفاً به تشریح جزئیات اجرای دفاع مشروع درمقابل تهیه مقدمات، به ویژه در موارد خشونت جنسی، بپردازد، وجود ندارد. با این حال، اصول کلی و رویه قضایی مبتنی بر مواد قانونی و فقهی، مبنای عمل قرار می‌گیرد. نکات اجرایی کلیدی عبارتند از:

تفسیر موسع خطر و تجاوز: رویه قضایی پیشرو، اقدامات مقدماتی تجاوز جنسی (تهیه مقدمات) را مشمول دفاع مشروع می‌داند (رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰ - ۱۳/۱۲/۱۳۹۸: "شروع به ارتکاب جرم تجاوز به عنف... از مصادیق بارز اقدام تجاوزکارانه و خطرناک موضوع قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۷ است") (رضایی حسین آبادی و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

تقدم ادله دفاعی: در صورت طرح دفاع مشروع توسط متهم (مدافع)، دادگاه موظف است ابتدا به این ادله رسیدگی کند. اصل بر صحت ادعای دفاع مشروع نیست، لیکن بار اثبات نفی دفاع مشروع بر عهده دادستان است (بسنده و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۲).

بررسی دقیق تناسب: دادگاه‌ها موظفند با در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال حاکم بر واقعه (زمان، مکان، امکانات طرفین، شدت تهدید، امکانات دفاعی در دسترس، ویژگی‌های جسمی و روانی مدافع و مهاجم) تناسب اقدام دفاعی را به دقت ارزیابی نمایند (تبصره ۲ قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶).

توجه به دستورالعمل‌های عام پلیسی: دستورالعمل‌های مربوط به وظایف ضابطان دادگستری در هنگام حضور در صحنه جرائم خشونت‌آمیز (مانند ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل‌های داخلی ناجا) بر ضرورت مداخله فوری برای جلوگیری از وقوع جرم یا ادامه آن و حمایت از بزه‌دیده تأکید دارند که این روحیه، همسو با پذیرش حق دفاع مشروع برای شهروندان است.

قوانین کیفری ایران، با تصریح در مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، چارچوب حقوقی روشنی را برای دفاع مشروع زنان در برابر خشونت جنسی، هم در جهت دفاع از خود و هم دفاع از زنان دیگر، فراهم نموده است. حق دفاع مشروع نه تنها در برابر حمله کامل، بلکه در برابر اقدامات تجاوزکارانه و خطرناک مقدماتی و شروع به تجاوز جنسی نیز قابل اعمال است. دفاع از زن دیگری که ناتوان از دفاع از خویش در برابر چنین خطری است، به صراحت در تبصره ماده ۱۵۷ و ماده ۱۵۸ به رسمیت شناخته شده است. رعایت شرط تناسب اقدام دفاعی با شدت و ماهیت خطر، فوریت و قریب‌الوقوع بودن تهدید، و ناتوانی زن مورد تجاوز (در موارد دفاع از دیگری) از ارکان اساسی تحقق دفاع مشروع در این موارد است (رضایی حسین آبادی و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

تحلیل تطبیقی نگاه قانون و فقه

حق دفاع مشروع به عنوان یکی از مبانی رفع مسئولیت کیفری، در مواجهه با تهاجم به تمامیت جسمانی، حیثیت و به ویژه عرض و ناموس، در نظام‌های حقوقی و مکاتب فقهی مورد تأکید قرار گرفته است. در خصوص دفاع در برابر خشونت جنسی، این حق از حساسیت و پیچیدگی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بررسی تطبیقی مبانی فقه امامیه و مقررات حقوق کیفری ایران (به ویژه ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن) نشان‌دهنده اشتراکات اساسی در اصل پذیرش این حق، همراه با تفاوت‌های ظریف در تفسیر شرایط اعمال آن، به ویژه شرط ضرورت و تناسب است. هر دو نظام، دفاع از عرض در برابر تعرض جنسی را از مصادیق بارز دفاع مشروع تلقی می‌کنند (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶ و فقه امامیه، به استناد ادله عامه دفاع مثل آیه ۱۹۴ سوره بقره و روایات متعدد دفاع از نفس و عرض). در جدول ۱ بررسی تطبیقی فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی در مورد دفاع مشروع در خشونت جسمی علیه زنان آمده است.

جدول ۱ - مقایسه معیارهای فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی در مورد دفاع مشروع در خشونت جسمی علیه زنان

معیار مقایسه	فقه امامیه	قانون مجازات اسلامی
منابع اصلی احکام دفاع مشروع	منابع چهارگانه: کتاب (قرآن)، سنت (احادیث)، اجماع و عقل	ماده ۱۵۶ و تبصره‌های آن
نوع تناسب	تناسب عرفی و وضعی؛ مبتنی بر شرایط اضطراری مدافع	تناسب عینی و حقوقی؛ ارزیابی قضایی با معیار نوعی
نقش عرف	معیار اصلی تشخیص	معیار تفسیری تبعی در قضاوت
توجه به حالت اضطراری	به طور مستقیم موثر بر رفع یا تخفیف مسئولیت	به صورت غیرکستقیم از طریق اوضاع و احوال
دامنه مجاز دفاع	گسترده؛ شامل دفاع شدید حتی منجر به قتل متجاوز	محدودتر؛ منوط به تشخیص قضایی تناسب دفاع
منبع	تحریر الوسیله، نهایه التقرير	قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶

اشتراک در اصل حق دفاع از عرض و تأکید بر ضرورت و تناسب: هم فقه امامیه و هم قانون مجازات اسلامی، دفاع در برابر تجاوز جنسی و هرگونه تعرض به عفت و ناموس را به صراحت مشروع و رافع مسئولیت کیفری می‌دانند. قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶ دفاع در مقابله با هرگونه تجاوز یا خطر قریب الوقوع نسبت به نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری را جایز شمرده است. فقهای امامیه نیز با استناد به آیات قرآن (مانند آیه ۱۹۴ سوره بقره: فَمَنْ اَعْتَدَى

عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ) و روایات فراوان (مثل روایت "من قُتِلَ دُونَ عَرَضِهِ فَهُوَ شهید") دفاع از عرض را نه تنها حق، که در مواردی وظیفه شرعی فرد می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۱۸۴). هر دو نظام شرط ضرورت را محور قرار می‌دهند؛ بدین معنا که خطر باید قریب الوقوع و واقعی باشد و راه دیگری غیر از دفاع برای دفع آن وجود نداشته یا مؤثر نباشد (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶). همچنین شرط تناسب میان دفاع و حمله مورد تأکید هر دو است؛ به این مفهوم که دفاع باید برای دفع تجاوز ضروری و متناسب با شدت و خطر حمله باشد (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶) (رضایی حسین آبادی و خلیل‌اللهی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

تفاوت در تفسیر تناسب و نقش ترس و اضطراب شدید: اگرچه اصل شرط تناسب مورد پذیرش هر دو نظام است، فقه امامیه غالباً تفسیر انعطاف‌پذیرتر و عرف‌گرایانه‌تری نسبت به متن قانون در این خصوص ارائه می‌دهد. دلیل این امر، تأکید فقه بر مصلحت حفظ عرض و ناموس و توجه ویژه به وضعیت روانی مضطر مدافع (خوف، اضطراب شدید و هیجان) در لحظه مواجهه با تعرض جنسی است. فقها استدلال می‌کنند که زنی که مورد هجوم جنسی قرار گرفته، در وضعیت فوق‌العاده روانی (خوف عظمی، اضطراب شدید، غضب ناشی از دفاع از حریم) قرار دارد که قضاوت عینی دقیق درباره تناسب دقیق دفاع با حمله را برای وی دشوار یا ناممکن می‌سازد. در این حالت، عرف که مبنای بسیاری از احکام فقهی است، چنین دفاعی را متناسب تلقی می‌کند، حتی اگر در نگاه بعدی و با آرامش، ظاهراً دفاع سنگین‌تر از حمله به نظر برسد. به عبارت دیگر، فقه وزن قابل ملاحظه‌ای به عوامل ذهنی (خوف، اضطراب) در تخفیف شرط تناسب ظاهری می‌دهد و معیار را تناسب با خطر از منظر شخص مدافع در آن شرایط اضطراری، با لحاظ عرف، می‌داند. در مقابل، متن قانون (ماده ۱۵۶) به صراحت به این عوامل روانی اشاره نکرده و تفسیر تناسب، عمدتاً در گرو تفسیر قضایی و استناد به عرف در دادرسی است که ممکن است رویه‌های متفاوتی را در پی داشته باشد (تبصره ماده ۱۵۶ صرفاً به عدم لزوم رعایت مراتب دفاع اشاره دارد) (البجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

دفاع مرگبار در برابر تجاوز جنسی و اختلاف نظرها: در مورد مشروعیت دفاع منجر به مرگ متجاوز، هم در فقه و هم در قانون، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عمدتاً حول محور تفسیر تناسب و ضرورت می‌چرخد. برخی فقها و حقوقدانان معتقدند صرف تلاش برای تجاوز جنسی کامل (زنا یا لواط) به دلیل هتک شدید عفت و حیثیت، خطری عظیم محسوب شده و دفاع حتی با قتل مهاجم را متناسب و مشروع می‌دانند، به ویژه با لحاظ خوف و اضطراب شدید مدافع (برخی استنباطات از روایت "من قُتِلَ دُونَ عَرَضِهِ فَهُوَ شهید") (ره‌نورد واقف و نظری نژاد کیاشی، ۱۳۹۹). برخی دیگر بر این نظرند که تنها در صورتی که تجاوز جنسی در حال وقوع باشد یا خطر قریب الوقوع آن وجود داشته باشد و دفاع با قتل تنها راه دفع آن خطر باشد، چنین دفاعی مشروع

است (دیدگاه محتاطانه‌تر در فقه و رویه قضایی). قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۵۶ دفاع منجر به مرگ را در صورت رعایت شرایط کلی (ضرورت، تناسب، قریب الوقوع بودن خطر) مجاز می‌داند، اما تبصره این ماده تصریح می‌کند: "در موارد دفاع مشروع ... اگر دفاع مستلزم کشتن مهاجم باشد و دفاع در برابر آن تجاوز تنها با قتل مهاجم ممکن باشد، مرتکب قصاص نمی‌شود". این تبصره به طور خاص دفاع مرگبار در برابر تجاوزات شدید از جمله جنسی را با قید "تنها راه دفع" تأیید می‌کند، اما تفسیر "تنها راه بودن" و "تناسب" در عمل محل چالش است (قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۶ و تبصره آن) (فرزین مهر، ۱۴۰۳: ۳۱۰؛ قانیدی و فرحبخش، ۱۴۰۳: ۱۰۱).

نتیجه گیری

بررسی موضوع دفاع مشروع زنان در برابر خشونت جنسی در چارچوب قوانین کیفری ایران، مستلزم واکاوی دقیق موازین قانونی، مبانی فقهی مستحکم، چالش‌های عملی پیش‌رو و نتایج حاصل از تحلیل تطبیقی است. از منظر موازین قانونی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) دفاع مشروع را در صورت وجود شرایطی چون تهدید جانی، ناموسی یا مالی برای خود یا دیگری، ضرورت دفاع، عدم امکان توسل به قوای دولتی و رعایت تناسب دفاع با شدت حمله، موجه می‌داند. در خصوص خشونت‌های جنسی علیه زنان، این حمله عمدتاً به عنوان تهدید ناموسی و حیثیتی قلمداد می‌شود که به‌طور ذاتی با تمامیت معنوی و جسمانی زن مرتبط است (عبدالعزیز، ۲۰۲۵: ۹۳۷). شرایط احراز دفاع مشروع در این موارد، مستلزم اثبات وجود خطر قریب‌الوقوع تعرض جنسی (از آزار کلامی و تماس ناخواسته تا تجاوز) و ضرورت اقدام فوری برای دفع آن است، به‌گونه‌ای که توسل به مراجع قانونی در آن لحظه ممکن یا مؤثر نباشد (فرجیها و نعمتی، ۱۴۰۰: ۶۶).

از نظر مبانی فقه امامیه، دفاع از ناموس و عرض در برابر تعرض جنسی نه تنها یک حق، بلکه در مواردی یک واجب شرعی تلقی می‌شود. فقها بر اساس ادله‌ای چون اطلاق آیه «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» (نساء: ۱۴۸) عمومات دفاع از نفس و روایات متعدد مانند روایت مشهور «مَنْ أَتَهَكَ عَرَضَهُ فَلَهُ الْإِنْتِقَامُ»، به‌صراحت بر مشروعیت و حتی وجوب دفاع زن در برابر هتک حریم ناموسی تأکید نموده‌اند. نظر مشهور فقهای امامیه، مانند امام خمینی (ره)، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سیستانی، آن است که زن مجاز است از تمام وسایل ممکن برای جلوگیری از وقوع تعرض جنسی استفاده کند و در این مسیر، حتی اقدام به قتل مهاجم در صورت عدم امکان دفع او با روش‌های کم‌خطرتر، جایز و مشمول عنوان دفاع مشروع می‌شود، زیرا دفاع از ناموس در این دیدگاه هم‌تراز دفاع از جان محسوب می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

در خصوص تفسیر و تطبیق شرط "تناسب" دفاع با حمله در جرائم جنسی، رویکرد قانون و فقه غالباً متفاوت و گسترده‌تر از جرائم دیگر (مانند سرقت یا ضرب ساده) است. در جرائم جنسی، به دلیل حساسیت فوق‌العاده موضوع ناموس، آثار روحی-روانی ماندگار تعرض و ماهیت غیرقابل جبران بودن آن، تفسیر "تناسب" اغلب فراخ‌تر است. مصادیق این امر شامل موارد زیر می‌شود: استفاده از سلاح سرد یا گرم توسط زن در برابر مهاجمی که قصد تجاوز دارد (حتی اگر مهاجم ظاهراً مسلح نباشد)، وارد کردن ضربات شدید منجر به جرح یا حتی قتل مهاجم در حین تلاش برای دفع او، و اقدامات دفاعی شدید در برابر تهدیدات مستمر یا در محیط‌های بسته که امکان فرار یا کمک‌خواهی وجود ندارد. رویه قضایی ایران نیز در موارد متعددی (مانند رأی شماره ۷۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۶) با استناد به فقه امامیه، دفاع منجر به قتل مهاجم در حال تجاوز یا تهدید قریب‌الوقوع به آن را مشروع و مستوجب مجازات ندانسته است (قائدی و فرحبخش، ۱۴۰۳: ۸۰).

اگر زنی مورد تجاوز جنسی قرار گیرد، چه کاری باید انجام دهد؟ پاسخ به این پرسش دشوار و واقعیت قانونی نسبتاً تاریک است. از نظر قانونی به قربانی اجازه داده نمی‌شود که از نیروی زیادی که سبب مرگ مهاجم می‌شود استفاده کند. شاید دلیل آن این باشد که معتقدند عمل تجاوز جنسی، سبب آسیب جدی بدنی و مرگ قریب‌الوقوع نمی‌شود. اما اگر تجاوز جنسی شدید باشد و اثرات جسمی، روحی و اجتماعی آن در نظر گرفته شود، قربانی مجاز به دفاع مشروع می‌شود. اگر تجاوز جنسی شدید تشخیص داده نشود و در دفاع مشروع، مرگ مهاجم اتفاق افتد، فرد دفاع کننده، متهم محسوب می‌شود و در وضعیت دشواری قرار می‌گیرد (میسیریان و کولو، ۲۰۱۹: ۲۶). به عبارتی، با وجود مبانی مستحکم قانونی و فقهی، مهم‌ترین چالش‌های نظری و عملی در احراز دفاع مشروع زنان در پرونده‌های خشونت جنسی در نظام قضایی ایران عبارتند از: دشواری اثبات وقوع تعرض جنسی و قریب‌الوقوع بودن خطر (به‌ویژه در موارد نبود شاهد عینی یا آثار فیزیکی واضح)، تفاوت در تفسیر قضات از مفهوم "ضرورت" و "تناسب" دفاع (که می‌تواند منجر به احکام متناقض شود)، ناآگاهی بسیاری از زنان از حدود حقوق دفاعی خود و شرایط قانونی آن، ترس از پیامدهای اجتماعی و قضایی گزارش خشونت یا اقدام دفاعی، چالش‌های پزشکی قانونی در اثبات مقاومت یا وقوع تعرض و طولانی بودن فرآیندهای قضایی که خود می‌تواند فشار مضاعفی بر قربانی وارد کند (فرجیها و نعمتی، ۱۴۰۰: ۵۹؛ فرزین مهر، ۱۴۰۳: ۳۷).

در جمع‌بندی نهایی، نظام حقوقی ایران با اتکا به دو رکن قانون مجازات اسلامی (به‌ویژه ماده ۱۵۶) و مبانی فقه امامیه، دفاع مشروع زنان در برابر خشونت جنسی را به‌طور قاطع به‌عنوان حقی شرعی

و قانونی به رسمیت می‌شناسد. فقه امامیه با نگاهی پیشرو و مبتنی بر حفظ کرامت و حریم انسان، دامنه مشروعیت این دفاع را بسیار گسترده و حتی در مواردی تا حد قتل مهاجم امتداد می‌دهد (قائدی و فرحبخش، ۱۴۰۳). قانون نیز با الهام از این مبانی، شرایطی را برای احراز دفاع مشروع در این حوزه حیاتی مقرر نموده است. با این حال، وجود چالش‌های عملی در مسیر اثبات و احراز شرایط دفاع مشروع در دادگاه‌ها، نشان‌دهنده پیچیدگی ذاتی این گونه پرونده‌ها و لزوم حساسیت و دقت مضاعف مراجع قضایی، افزایش آگاهی عمومی زنان از حقوق خود و تقویت سازوکارهای حمایتی برای تسهیل دسترسی به عدالت در این موارد بسیار حساس و حیاتی است. این موازین در مجموع، بیانگر اهمیت والایی است که نظام حقوقی-فقهی ایران برای صیانت از کرامت، جان و ناموس زنان در برابر تعرضات جنسی قائل است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود سازوکارهای قضایی و حمایتی برای زنان قربانی خشونت جنسی شامل تدوین دستورالعمل‌های دقیق قضایی، آموزش و توانمندسازی قضات و کارشناسان پزشکی قانونی و ایجاد مراکز مشاوره حقوقی و روانی تقویت شود. ارتقای آگاهی زنان درباره حقوق دفاعی و شرایط احراز دفاع مشروع، از طریق برنامه‌های آموزشی، رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، بازنگری و تکمیل قوانین مرتبط با دفاع مشروع، به‌ویژه در زمینه خشونت‌های جنسی، برای تضمین حق دفاع کشنده در شرایط تهدید قریب‌الوقوع و غیرقابل دفع، ضروری است. پژوهش‌های آتی می‌تواند با تحلیل پرونده‌های قضایی و مطالعات میدانی، چالش‌های عملی و اثربخشی اقدامات قانونی و حمایتی را شناسایی کند. در نهایت، همکاری بین‌بخشی میان قوه قضاییه، نهادهای حمایتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، همراه با پایش مستمر و بازنگری سیاست‌ها، می‌تواند اجرای مؤثر دفاع مشروع زنان را تضمین کند و حفاظت از کرامت، جان و امنیت آنان را به‌طور عملی ارتقا دهد. افزون بر آن، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به بررسی قوانین موضوعه‌ی کشورهای گوناگون در خصوص خشونت جنسی علیه زنان و دفاع مشروع منتهی به قتل مهاجم از منظر حقوق تطبیقی به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات روش‌شناختی در دانش حقوقی معاصر در روند انجام اصلاحات حقوقی پرداخته شود.

منابع

الف): منابع فارسی

۱. آذری، ه. و بابازاده، ز. (۱۴۰۰). رویکرد نوین به شناسایی حقوق بشر زنان قربانی خشونت جنسی در کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول). فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳۷، ۱۹۳-۲۱۹.
۲. آل طاهها، س. ح. و بشیری، ع. (۱۳۹۸). نقدی بر قانون مجازات در ماهیت دفاع مشروع و رابطه آن با تهدید اخاذ به انتشار اسناد ناموسی در فضای مجازی. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۷۶، ۱۹-۳۹.
۳. احمدی نیک، س. م. و حسن زاده، م. (۱۴۰۴). مبانی دفاع مشروع و حقوق بشر با تاکید بر اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری مد ظله العالی. مجله پژوهش های فقهی، ۲۱(۱)، ۱۵-۳۰.
۴. البجنوردی، ا. م. ح. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیة (ج ۷). نشر الهادی.
۵. امینی، م. و قنبریان بانویی، م. (۱۴۰۱). بررسی دفاعیات کیفری ممکن در پرونده های همسرکشی توسط زنان بزه دیده خشونت خانگی (مطالعه موردی استان فارس). نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۲۳(۲)، ۲۲۳-۲۵۰.
۶. بسنده، ن. ح. حاجی تبار فیروزجایی، ح. و فروغی نیا، ح. (۱۴۰۱). تاملی بر چالش های اثبات خشونت های خانگی علیه زنان در نظام ادله اثبات کیفری. نشریه فقه جزای تطبیقی، ۲(۲)، ۳۹-۵۱.
۷. بیگی، ج. و آشنا، ح. (۱۳۹۸). جرم انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین المللی حقوق بشری. نشریه مطالعات بین المللی، ۱۶(۲)، ۱۱۳-۱۴۰.
۸. پورهاشمی، ع. و چوبین، س. (۱۴۰۰). جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین المللی. نشریه تمدن حقوقی، ۸، ۱۱۰-۱۱۷.
۹. حسنی، م. ح. و عزیززاده، ح. و سلمان نجاتی، س. ق. (۱۴۰۰). تطبیق مبانی و شرایط دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و اسکاتلند. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۱۵(۱)، ۶۷-۸۷.
۱۰. حلال خور، ک. و گلجانی، ا. (۱۳۹۹). وجوه معنایی خشونت در قرآن کریم. نشریه تفسیر پژوهی اثری، ۱۴، ۵۷-۸۳.
۱۱. خضرنیا، ک. و اکبری، ع. (۱۴۰۳). مفهوم و اثبات جرم تجاوز به عنف در فقه امامیه و حقوق ایران. نشریه زن و مطالعات خانواده، ۶۳، ۱۲۷-۱۴۸.

۱۲. دهقانی، ز.، آسایش، م.، و شاهمرادی، س. (۱۴۰۰). تجربه انواع خشونت جنسی زناشویی در زنان قربانی شهر تهران: یک مطالعه کیفی. نشریه رویش روان شناسی، ۱۰(۱۱)، ۱۶۹-۱۸۲.
۱۳. رضایی حسین آبادی، ج.، و خلیل اللهی، م. (۱۳۹۸). تناسب دفاع و تجاوز در قانون و فقه. نشریه فقه، حقوق و علوم جزا، ۵(۱۳)، ۱۰۲-۱۱۹.
۱۴. رضایی سیابیدی، ع. (۱۳۹۶). دفاع مشروع در حقوق جزایی ایران. نشریه قانون یار، ۴، ۱۶۱.
۱۵. ره نورد واقف، م.، و نظری نژاد کیاشی، م.، ر. (۱۳۹۹). کاوشی انتقادی در نظریه حق بنیاد در باب توجیه دفاع مشروع منجر به قتل. مجله پژوهشهای حقوقی، ۴۳، ۳۴۸-۳۱۷.
۱۶. سلیمی، ص. (۱۳۸۶). نقدی بر موضع حقوق کیفری ایران در رابطه با دفاع مشروع. نشریه تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱، ۸۷-۱۰۰.
۱۷. ظهوریان، ع. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر سو استفاده جنسی بر عزت نفس با نقش میانجی طرح واره های ناسازگار در زنان. فصلنامه روانشناسی ارتباطات، ۲، ۴۱-۵۷.
۱۸. فرجیها، م.، و نعمتی، ز. (۱۴۰۰). ادله اثبات در خشونت های جنسی زناشویی؛ چالش ها و راهکارها. نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۵۱(۱)، ۵۱-۷۷.
۱۹. فرزین مهر، ف. (۱۴۰۳). چالش های دفاع مشروع در رویه قضایی ایران. نشریه فقه، حقوق و علوم جزا، ۹(۳۴)، ۲۹-۴۱.
۲۰. فلاح تفتی، ف.، و خوانساری، ن. (۱۴۰۳). مبانی و مستندات فقهی دفاع مشروع در جرایم منافی عفت در فضای مجازی. نشریه مطالعات فقه و حقوق رسانه، ۱۶(۱)، ۲۹۹-۳۲۶.
۲۱. قائدی، س. (۱۴۰۳). دفاع مشروع افراطی در فرایند رسیدگی کیفری ایران (با تاکید بر قتل عمد). مجله پژوهشهای حقوقی، ۵۹، ۵۶۷-۵۹۸.
۲۲. قائدی، س.، و فرحبخش، م. (۱۴۰۳). آسیب شناسی قضایی اعمال دفاع مشروع در دادسرا با تاکید بر قتل عمد. مجله حقوقی دادگستری، ۱۲۵، ۷۷-۱۰۹.
۲۳. قاسمی بیوزنی، ق.، آهنگران، م.، ر.، نقیبی، س.، ا.، و محبی، م. (۱۴۰۲). توسل به زور به منظور دفاع از خود در اسلام با نگاهی به دیدگاه امام خمینی (ره). پژوهشنامه متین، ۹۸، ۱۰۹-۱۳۸.
۲۴. قدسی، س.، ا.، و قدیمی عزیزآباد، م. (۱۳۹۸). تاملی نوین پیرامون حق مقابله با خشونت جنسی علیه زنان (بر مبنای نظام حقوقی - قضایی ایران). پژوهش نامه حقوق بشری، ۱۷، ۱۱۷.
۲۵. قدیر، م.، مهدوی، ز.، و ستایش پور، م. (۱۳۹۷). حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکاوی اسناد نسل های چهارگانه محاکم بین المللی کیفری). نشریه فقه و حقوق خانواده، ۶۹، ۵-۳۰.

۲۶. کاوه فارسانی، ذ.ا، و مهدیه، ع. (۱۴۰۴). روایت زنان از پدیده ی خشونت علیه زنان. نشریه مطالعات زن و خانواده، ۱۳(۱)، ۵۱-۷۹.
۲۷. محسنی، ا. (۱۳۹۸). روش‌شناسی حقوق تطبیقی. مجله مطالعات حقوقی تطبیقی، ۱۰(۲)، ۶۹۵-۷۱۷.
۲۸. مکارم شیرازی، آ.ا. ن. (۱۴۰۰). استفتائات جدید (۵ جلدی). انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۹. موسوی‌الخمینی، ر.ا. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله امام خمینی (س) (ج. ۲). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۳۰. نیک نژاد، ع.، فرهود، ن.، و موالی زاده، س. ب. (۱۴۰۳). بررسی خشونت جنسی علیه زنان در حقوق کیفری ایران و انگلستان. آموزه های فقه و حقوق جزاء، ۱۰، ۱۲۳-۱۴۲.

(ب): منابع لاتین:

31. Abdelaziz, D. K. (۲۰۲۵). Criminal Legislation and Women in Sexual Assault Cases: Justice or Victim Blaming? *Journal of Posthumanism* 5(2), 923-941.
32. Chavan, S., Fern, R., Augustine, S., Nayak, U. (2020). Knowledge on practice regarding self-defense against sexual harassment among females in Mangalore with a view to providing an informational pamphlet. *Indian Journal of Community Medicine*, 45(4), 558.
33. Haiqing, P., Ali, Md. A., & Ferdous Syed, R. (2025). Harnessing clinical forensic medicine in rape investigations: Analyzing legal frameworks and practices in Bangladesh. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 83, 100791.
34. Keiler, J. (2023). From coercion to consent: Dutch rape law reform and the complexities of consent. *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, 30(6), 760-782.
35. Missirian, D. E., & Kulow, M. D. (2019). Defenseless Against Rape: Outdated Laws and a Proposed Legal Defenseless Against Rape: Outdated Laws and a Proposed Legal Solution. *American University Journal of Gender, Social Policy & the Law* American University Journal of Gender, Social Policy the Law, 28(1), 1-28.
36. McPherson, R. (2022). Women and self defence: an empirical and doctrinal analysis. *International Journal of Law in Context*, 18(4), 461-475.